اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۵۴
دوره دوم
دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹
بها ۱۵ ریال

انتخاب راه

دیگر مسلم است که جنگ آنچه را که رژیم بعث عراق و همهٔ دشمنان ریز و درشت انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران انتظار داشتند برای شان به بار نیاورد. هدف دشمن غافلگیری و پیشروی سریع در قسمت هایی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران بود که به گمان باطل او می‌بایست آسیب پذیرتر باشد، یعنی خوزستان و کردستان و نوار مرزی که این دو استان را به هم وصل می‌کند. در واقع نقشهٔ این تعرض از پیش ریخته شده بود. درست در این دو استان بود که رژیم بعث، دست در دست امپریالیسم آمریکا، تقریبا از همان فردای پیروزی انقلاب به تحریک و توطئه پرداخت و با تکیه بر عوامل رنگارنگ ضد انقلابی کوشید تا به رقابت‌ها ی محلی بر سر قدرت و همچنین به اختلافات عقیدتی و قومی و طبقاتی دامن بزند و کار را به رویارویی مسلحانه با انقلاب بکشاند. هدف اصلی همانا سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران و از بین بردن دستاوردهای انقلاب یا مسخ آن در جهت دلخواه امپریالیسم بود، چنان که تجاوز نظامی عراق به ایران و جنگ کنونی هم، به عنوان حلقه‌ای از سلسله توطئه‌های امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران در نهایت همین هدف را دنبال می‌کند.

در این جنگ، دشمن آنچه را ساخته بود به ظهور رساند و به کار گرفت: زمینه‌سازی تبلیغاتی و استفاده از شبکه‌های جاسوسی و خرابکاری، ارتشی آماده و مجهز به سلاحهای پیشرفته، بهانه‌جویی و کشاندن تماعدی درگیری های موضعی به تعرضی گسترده، پیشدستی در وارد کردن ضربات بر مراکز حساس دفاعی و صنعتی و اقتصادی ما، کوبیدن شهرها و نقاط مسکونی با بمب و خمپاره و موشک و کشتار مردم غیرنظامی.

اما این همه ملت رها گشتهٔ ما را که می‌داند برای چه دست به انقلاب زده و از انقلاب چه به دست آورده است مرعوب نکرد. پایداری نیروهای مسلح ایران - نیروی هوایی و دریایی، سپاه پاسداران، ژاندارمری، نیروی زمینی - و بویژه شور جانبازی انبوه جوانانی که برای دفاع از میهن و انقلاب از سراسر ایران به مناطق جنگی روی آوردند و نمونه‌ای از آنچه ملت مسلح بدان قادر است نشان دادند رویاهای خوش دشمن را به واقعیتی دردناک مبدل ساخت. اکنون جنگ به درازا می‌کشد و ماشین جنگی صدام حسین به گل می‌نشیند. شکستی ننگین در انتظار رژیم غدار بعث است و دیر و زود این امر محتوم بسته به کارآیی فرماندهی عالی در رهبری جنگ و بهره‌گیری درست از نیروی بی‌پایان مادی و معنوی است که ملت انقلابی ایران در اختیار آن می‌گذارد.

صفحه ۶

توطئه متوقف کردن کار هیأت‌های هفت نفری در واگذاری

زمین عقیم ماند

درهفتهٔ گذشته ستاد مرکزی واگذاری زمین طی اطلاعیه‌ای که در جراید انتشار یافت اعلام کرد: "درحالی که کشور در شرایط حساس قرار دارد، عده‌ای شایع کرده‌اند که کار هیأت‌های هفت نفره متوقف شده است. ستاد مرکزی واگذاری زمین ضمن محکوم کردن این گونه اقدامات که جز لطمه به تولید محصولات و ایجاد هرج و مرج ثمره‌ای دیگر ندارند، به اطلاع ملت مسلمان ایران و خصوصا کشاورزان می‌رساند که پیرو مذاکراتی که آقایان دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، رجائی نخست وزیر، سلامتی وزیر کشاورزی با امام داشته‌اند، ایشان رسیدگی به امر واگذاری زمین را مجددا به عهدهٔ آیات عظام منتظری، مشکینی و بهشتی محول نموده‌اند.

این برادران به نمایندگی از امام امت، ضمن تایید مجدد قانون مصوبهٔ شورای انقلاب با تاکید بر دقت عمل مجریان امر خواستار ادامهٔ کار ستاد مرکزی و هیأت‌های هفت نفره و گروه‌های تحقیق شدند".

این اطلاعیه پاسخی قاطع و دندانشکن به تلاش های مذبوحانه‌ای است که دشمنان سوگندخوردهٔ انقلاب برعلیه آن تدارک می‌بینند.

صفحه ٦

پیام به نویسندگان، شاعران و هنرمندان عراق

صفحه ٦

بن بست کمپ دیوید

ده سال پس از مرگ اولین رئیس جمهور جمهوری مصر (که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰ برابر با ۸ مهر ۱۳۴۹ درگذشت) مقامات رسمی قاهره ترجیح دادند نام جمال عبدالناصر را به زبان نیاورند و درباره او سکوت اختیار کنند. امروز حتی اشخاص کم اطلاع می‌دانند که خط مشی کنونی رهبری قاهره با رهنمودهای انقلاب مصر آشکارا در تضاد است.

تبلیغات قاهره در این تلاش است که به مردم این کشور و جهانیان بفهمانند که "سمت گیری جدید" رژیم سادات به برقراری صلح استوار در خاورمیانه و پیشرفت مصر کمک می‌کند. همه می‌دانند که این تلاش ها به جایی نمی‌رسد، زیرا حادترین مسایل کشور و منطقهٔ عربی در مجموع نه تنها لاینحل مانده، بلکه دائم شدت می‌یابد. پدیده‌های بحران در اقتصاد مصر، شکاف ... بین دارا و ندار، انفراد فزایندهٔ مصر در میان ملل عرب و بن بست در تنظیم امور خاورمیانه یک از نتایج تلخی است که دو سال پس از امضای موافقت‌نامهٔ ننگین کمپ دیوید نصیب قاهره شده است. ساخت و باخت آشکار با نیروهای استعمار نو و ارتجاع، پشت کردن به آرمان خلق عرب، و در پیش گرفتن سیاست "درهای باز" در برابر سرمایهٔ انحصارگر خارجی جانشین مبارزهٔ منطقی بر ضد امپریالیسم، تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی و پیشرفت اجتماعی شده است که جمال عبدالناصر آن را رهبری می‌نمود.

درسالهای اخیر در مصر کتاب ... و رسالات متعددی منتشر شده که به تحریف و لجن مال کردن سیاست داخلی و خارجی ناصر پرداخته‌اند. انور سادات در خاطراتش تحت عنوان **درجستجوی هویت** نمونه‌ای از این نوشته‌ها ست. او در این خاطرات به روشنی اعتراف می‌کند که از همان آغاز نظرش درباره بسیاری مسائل مهم اجتماعی- سیاسی با برداشت های ناصر اختلاف فاحش داشت. سادات در جای نخست رابطه با اتحاد شوروی نه با آمریکا را که سرچشمهٔ اصلی قربانی های خلق مصر در مبارزه با اسرائیل است مورد سرزنش و انتقاد قرار می‌داد. رهبری کنونی مصر در اصلاح "خطای" ناصر ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد و با متجاوزین اسرائیلی عملا پیوند و اتحاد برقرار کرد.

صفحه ۵

از سلسله قطعنامه‌های

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح

(صوفیه ۲۷–۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)

دربارهٔ وضعیت منطقه دریای سرخ و شاخ آفریقا

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح، پس از بررسی اوضاع در منطقهٔ دریای سرخ و بویژه در شاخ آفریقا، اضطراب و نگرانی جدی خود را در برابر توطئهٔ ناهنجار و نابخردانه‌ای که میان امپریالیسم و نوکرانش در این منطقه سرهم بندی می‌شود اظهار می‌دارد.

همکاری ناشایست رژیم های ارتجاعی را در کشورهای ساحل دریای سرخ که در حقیقت برای دسایس ارتجاع عرب و امپریالیسم بر ضد منافع ملتهای منطقه و صلح جهانی زمینه مساعدی فراهم می‌سازد محکوم می‌کند.

موافقت دولت سومالی را با ایالات متحده آمریکا برای تاسیس پایگاه هایی در بندرهای بربرا و کیسمایو به منظور استقرار سپاه واکنش سریع که پیش از هر چیز می‌باید به ایجاد عدم ثبات در رژیم های مترقی یمن دموکراتیک و اتیوپی سوسیالیست خدمت کند با قاطعیت افشا می‌نماید.

از آنجا که پایگاه های ایالات متحد آمریکا در سومالی مبارزه جویی و تهدید مستقیمی نسبت به استقلال ملی و حاکمیت این کشورها و صلح و امنیت جهانی است،

صفحه ۲

سه رویداد بزرگ تاریخی: تبعید امام، سیزده آبان، اشغال جاسوس خانهٔ آمریکا

صفحه ۲

سوریه در خط مقدم جبهه

بلندی های جولان که به سوریه تعلق دارند، از ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمده‌اند. واحدهای اسرائیلی که در آنجا مستقرند، همواره توپ های خود را سوی دمشق نشانه گرفته‌اند. در پایان ماه‌ها وت یکبار دیگر بین هواپیماهای سوریه و اسرائیل در آسمان لبنان نبرد درگرفت.

به همین علت سوریه به "کشور خط مقدم" تبدیل شده است. این کشور که تجربه زیادی از تجاوز اسرائیل دارد، دائم در آماده باش نظامی است. سوریه به عنوان یک کشور مترقی عرب خواهان تنظیم عادلانه و پایدار مسائل خاور نزدیک است و مقدم بر همه در راه حل مساله خلق رنجدیدهٔ فلسطین و استرداد همهٔ اراضی مورد تجاوز اسرائیل و بخش شرقی اورشلیم مبارزه می‌کند.

سوریه وحدت اعراب را یگانه وثیقه برای کامیابی مقاومت در برابر تجاوز و جاه طلبی های توسعه طلبانه اش میداند و در این راه از هیچ کوشش صادقانه فروگذار نکرده است. این کشور نیروی محرک جبهه پایداری اعراب متشدد از الجزایر، لیبی، جمهوری دموکراتیک و توده‌ای یمن و سازمان آزادی بخش خلق فلسطین است.

در دمشق ... معتقدند که یگانگی سیاسی سوریه و لیبی که از جانب تریپولی پیشنهاد ... می‌تواند برای استحکام این جبهه فوق‌العاده مفید باشد.

در پایتخت سوریه، صلح واقعی، نه صلح ساخته و پرداختهٔ کمپ دیوید را که از جانب واشنگتن به اعراب تحمیل شده، یگانه شرط ضرور برای تحکیم قدرت ملی در تعمیق دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌دانند.

صفحه ۳

تسلیت

هیات تحریریه و کارکنان "اتحاد مردم در گذشت تاسف بار پدر همکار عزیز خود آقای اسداله قهرمانی را به ایشان و خانواده محترم قهرمانی و خانواده‌های وابسته صمیمانه تسلیت می‌گویند.

اتحاد مردم"

ما همهٔ مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی را به شرکت فعال در برگزاری مراسم سیزدهٔ آبان فرا می‌خوانیم.

سه رویداد ...

تبعید امام:

رژیم تبهکار شاه ملعون هشت سال پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سپردن توده عظیمی از نیروهای انقلابی و میهن پرست به چوبه‌های دار، شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌ها و تبدیل ایران به قبرستان سکوت، در اسفندماه ۱۳۴۰ قبل از "انقلاب سفید" آمریکا فرموده پیشنهاد "شیطان بزرگ" را در قبول "کاپیتولاسیون" برای اتباع آمریکایی پذیرفت و در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ به تصویب مجلس فرمایشی شورای ملی رساند.

تصویب این قانون در شرایط اختناق آمیز ستمشاهی موجی از خشم و نفرت در میان نیروهای انقلابی و دموکراتیک جامعه، به ویژه در میان روحانیان متعهد و مبارز برانگیخت.

فریاد پرخروش امام در فضای قیرگون سلطه امپریالیسم و ارتجاع دیو ارضخیم سکوت مرگبار استبداد یان درباری را از هم شکافت و آوای سربلند ملتی اسیر ولی رزمنده را به گوش جهانیان رسانید.

روحانیان متعهد و مبارز به پیشوایی امام خمینی که از امکانات ملموس و نفوذ حساسی در میان توده‌های مردم برخوردار بودند، بی‌هیچ درنگ دین خود را در بازتابیدن صدای اعتراض مردم ادا کردند.

نقش امام در رسوا ساختن توطئه آمریکا شاه خائن نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ضد استعماری مردم ایران بود.

امام در سخنرانی شورانگیز خود که در ۴ آبان ۱۳۴۳ بر ضد احیای کاپیتولاسیون ایراد کرد سرسختی، آشتی‌ناپذیری و سلحشوری استوار شان را در مبارزه قاطع با امپریالیسم و ارتجاع همچون رهبری برجسته نشان داد.

شاه خائن که در سیمای امام دشمن تسلیم‌ناپذیر و نستوهش را می‌دید، پس از این سخنرانی دست به تبعید این رزمنده بی‌باک زد تا به گمان خود لهیب این شعله سرکش را در دلها بمیراند.

در آن روزگار مصیبت بار ملی بانگ خروشان امام از فاجعه‌ای که به دست پهلوی خائن دامنگیر ملت رنجدیده ما شده بود، در گوش‌ها چنین طنین افکند:

"ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کردند (گریه حضار)، عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند، ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند".

در برابر یک فاجعه عظیم ملی بود. اما اعلامیه او در رد کاپیتولاسیون با منطق محکم سیاسی مبارزی عمیقاً ضد امپریالیست چهره می‌نماید. در این اعلامیه می‌خوانیم:

"آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. آمریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند... آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌نماید".

...و چنین بود که روحانیت مبارز و انقلابی به پیشوایی امام خمینی با بازشناختن دشمن اصلی تکامل بشریت – امپریالیسم آمریکا – راه را به روی انقلاب خلقی اسلامی گشود.

سیزدهٔ آبان:

سیزدهم آبان ۵۷ به عنوان روز دانش آموز روز تراکم و انفجار نوین جوش و خروش انقلابی در مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما و پایان گرفتن دوره جدید ترفندهای رژیم شاه خائن در خدمت به امپریالیسم است.

در این روز دانش آموزان تهران طلایه‌دار خروش انقلابی خلق ما در نبردهای خیابانی هستند.

فریاد مرگ بر شاه سراسر دبیرستان‌های پایتخت را فرا می‌گیرد. کلاس‌ها تعطیل می‌شوند. دانش آموزان سیل آسا به کوچه‌ها و خیابان‌ها سرازیر می‌شوند.

مقارن ساعت ۹ صبح در پیچ شمیران کامیون‌های ارتشی ۳ دانش آموز را زیر چرخ‌های خود له می‌کنند. پیراهن خونین شهدای نوجوان به پرچم نبردهای خیابانی تبدیل می‌شود.

این شعارها همه جا را فرا می‌گیرد:

– این سند جنایت پهلویه

– میکشم، میکشم هر که برادرم کشت

– تا شاه کفن نشود، این وطن وطن نشود.

ساعت یازده صبح محافظان جاسوس‌خانه آمریکا دانش آموزان ما را به رگبار مسلسل می‌بندند و این نونهالان را به خاک و خون می‌کشند.

در این ساعت تهران غرق در خون و گلوله‌های دژخیمان شاه است. آمبولانس‌ها از هر سو آژیر می‌کشند. گرازهای شاه خائن بیرحمانه به دریدن مشغولند. نبردهای خیابانی در سه راه سیروس و نزدیک دانشگاه شدت بی‌سابقه می‌یابد.

سیل جمعیت در میدان انقلاب و اطراف دانشگاه دولت **"نیرنگ ملی"** شریف امامی را به وحشت می‌اندازد، دستور قتل عام صادر می‌شود.

گرازهای شاه دانش آموزان را با انبوه جمعیت محاصره می‌کنند و به داخل دانشگاه می‌رانند. نبرد دانش آموزان و دانشجویان در صحن دانشگاه ادامه می‌یابد دژخیمان از پشت میله‌های دانشگاه جمعیت را به گلوله می‌بندند، ده‌ها دانش آموز و دانشجو به خاک و خون می‌غلتند.

گرازها به سوراخ‌ها پناه می‌برند و شهر در خشم و ماتم عزیزان فرو می‌رود. و حماسه‌ها باز آفرینی می‌شوند.

شاه درمانده و مفلوک از طغیان انقلابی مردم دولت ریاکار شریف امامی را واپس می‌زند و دولت نظامی از هاری را به عنوان آخرین چاره دردبی‌درمان خود بر مسند قدرت می‌نشاند.

اشغال جاسوس خانهٔ آمریکا:

دولت موقت **"گام به گام"** که با پیروزی انقلاب خلقی اسلامی ایران روی کار آمد، در مدت ۹ ماه نتوانست هماهنگ با نیازهای روند انقلابی میهن ما به پیش تازد. و عملاً به ترمزی در برابر آن بدل شده بود.

برخی اقدامات که محصول فوران جنبش خلقی زحمتکشان کشور ما بود، به شیر بی‌یال و دم و اشکمی بدل شده بود که عمدتاً از محتوی و مضمون اساسی پیش رونده اش فارغ بود.

دولت **"گام به گام"** در اجرای سیاست اقتصادی – اجتماعی کشور با شتاب به سوی تحکیم حاکمیت استثمارگران نه مستضعفان گام برمی‌داشت و در سیاست خارجی راه مدارا و سازش با دولتهای امپریالیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا را در پیش گرفته بود.

این سیاست بی‌ریشه در میان توده‌های مردم که نمی‌توانست سیاست دولت موقت انقلاب باشد، روز به روز با موج تازه‌ای از مخالفت نیروهای انقلابی و دموکراتیک جامعه ما روبرو بود.

ملاقات نمایندگان دولت **"گام به گام"** با برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا که از ابتدای انقلاب به توطئه چینی علیه آن مشغول بود، رویارویی با سیاست لیبرالها را در سیاست داخلی و خارجی به نقطه انفجار رسانید.

در روز سیزده آبان سال گذشته نزدیک به ۴۰۰ دانشجو بعد از پایان مراسم سیزدهم آبان به طرف محل سفارت آمریکا رفتند و آنجا را با توقیف جاسوسان به تصرف در آوردند.

دانشجویان در اعلامیه شماره یک خود دلایل تصرف جاسوس خانه را به ترتیب زیر جمع بندی کردند:

– اعتراض به آمریکا به علت ایجاد فشار تبلیغاتی مسموم و انحصاری و کمک و حمایت از افراد ضد انقلابی فراری بر علیه انقلاب اسلامی ایران

– اعتراض به آمریکا به خاطر توطئه‌ها و دسیسه‌های ناجوانمردانه اش در مناطق مختلف کشور ما و نفوذ در ارگانهای اجرایی مملکت.

– اعتراض به آمریکا به دلیل نقش مخرب و خانمان برانداز خود در برابر رهایی خلقهای منطقه از دام امپریالیسم که هزاران هزار انسان مومن و انقلابی را به خاک و خون می‌کشاند.

پشتیبانی قاطع امام از دانشجویان انقلابی مسلمان به فرصت طلبان و لیبرال‌ها مجال نداد که اقدام آنها را تخطئه کنند. امام در سخنانی که برای کارکنان بیمه مرکزی در روز دوشنبه ۱۴ آبانماه ۱۳۵۸ ایراد کردند، تصرف جاسوس خانه آمریکا را تایید نمودند:

"جوان‌های ما باید با تمام توجه و قدرت این توطئه‌ها را از بین ببرند. امروز روزی نیست که ما بنشینیم و نگاه کنیم، امروز خیانتهای زیرزمینی در کار است که در همین سفارت خانه‌ها طرح ریزی می‌شود و عمده اش از شیطان بزرگ آمریکا است. باید بدانند در ایران باز انقلاب است. انقلابی بزرگتر از انقلاب اول".

و باز در همین زمینه تاکید کردند:

"در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست که شیاطین را با فریاد دور خودش جمع می‌کند. چه شیطان‌های داخل ایران و چه شیطان‌هایی که در خارج ایران هستند... ریشه‌های فاسد به فعالیت افتاده بودند تا ما دخالتی بکنیم و به جوانها بگوئیم که از آنجا بیرون بروند".

* * * *

... و امروز در سیزدهم آبان ۱۳۵۹ در آستانه بزرگداشت این سه رویداد عظیم تاریخی – تبعید امام، سیزدهم آبان ۵۷، اشغال جاسوسخانه آمریکا – باز با توطئه نظامی و سیاسی شیطان بزرگ – امپریالیسم آمریکا – روبرو هستیم که به یاری صدام جلاد به میهن ما تجاوز نظامی می‌کند و مردم بیگناه ما را به خاک و خون می‌کشد و به دست سادات خائن از جوجه محمدرضای ملعون شاه و وزوزک تازه می‌آفرینند.

★

درباره وضعیت...

ما از مردم و از کنگره آمریکا دعوت می‌کنیم که برای الغای قرارداد منعقد با سومالی به سرعت وارد عمل شوند.

کنفرانس پشتیبانی بی‌چون و چرای خود را از مساعی شرافتمندانه‌ای که ملت و دولت اتیوپی سوسیالیست به جا می‌آورند و نتایج دلگرم کننده‌ای که در همه زمینه‌های زندگی به دست آورده‌اند تکرار کرده از کشورها و احزاب مترقی مصرانه دعوت می‌کند تا برای موفقیت‌های آینده این مساعی کمکهای همه جانبه خود را شامل اتیوپی کنند و خطر بسیار بزرگی را که استقرار پایگاه در سومالی در بردارد افشا نمایند.

کنفرانس همچنین مبارزه وقفه‌ناپذیر اتیوپی را در راه صلح و عدالت اجتماعی – اقتصادی که دفاع قهرمانانه از انقلاب و مبارزه برای پیشرفت اقتصادی و سواد آموزی و تلاش مداوم برای استقرار مناسبات حسن همجواری با کشورهای دیگر از مظاهر آن است به دیده تحسین می‌نگرد.

قطعنامه درباره نامیبیا

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح:

۱– با نگرانی عمیق از لجاجت رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در ادامه اشغال خودسرانه نامیبیا، خاطرنشان می‌سازد که رژیم نامبرده به این طریق همه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را درباره این مسئله نقض می‌کند و با تشبثات خود که از سوی "گروه تماس" پنج کشور باختری تشویق می‌شود تلاشهای سازمان ملل متحد برای حل مسالمت آمیز مسئله نامیبیا را به صورتی که برای همه پذیرفتنی باشد از پایه سست می‌گرداند.

۲– آمادگی خود را برای پشتیبانی کامل از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، بویژه از قطعنامه ۴۳۵ که برگزاری انتخابات زیر نظارت سازمان ملل را قبل از اعلام استقلال نامیبیا پیش بینی می‌کند، اعلام می‌دارد.

۳– به اصطلاح "هیئت وزیرانی" را که از سوی رژیم نژادپرست پرتوریا تشکیل شده است و انتخابات سه مرحله‌ای پیشنهادی و دیگر تدابیر یکجانبه‌ای را که این رژیم در پیش گرفته است مردود می‌داند و محکوم می‌کند.

۴– شورای مربوط به نامیبیا را که در جنب سازمان ملل تشکیل شده است به عنوان یگانه قدرت قانونی در نامیبیا به رسمیت می‌شناسد و همه تمهیدات رژیم نژادپرست را برای نادیده گرفتن قدرت این شورا غیرقانونی اعلام می‌کند.

۵– تشکیل ارتش موسوم به "ارتش ناحیه‌ای آفریقای جنوبی و نامیبیا" از سوی رژیم نژادپرست را نه تنها یک عمل غیرقانونی بلکه یک قدم خطرناک در جهت گسترش آتی سرکوب خلق نامیبیا و افزایش تصاعدی تجاوز بر ضد جمهوری خلق آنگولا و جمهوری زامبیا می‌شمارد.

۶– فراخوانده شدن بی قید و شرط تمامی سربازان آفریقای جنوبی از نامیبیا و انحلال ارتش نژادپرست آفریقای جنوبی غربی را مصرانه می‌طلبد.

۷– قدرتهای باختری، بویژه سه کشور باختری عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد را، به علت امتناعشان از به اجرا گذاشتن قطعنامه ۴۳۵ سازمان ملل متحد محکوم می‌کند.

۸– شرکت‌های چندملیتی، مانند دیوتینتورا، به سبب استثمار بیرحمانه منابع طبیعی و انسانی نامیبیا قویاً محکوم می‌سازد.

۹– از افکار عمومی جهان دعوت می‌کند تا توجه خود را به مبارزه خلق نامیبیا به عنوان مسئله‌ای که از اهمیت درجه اول برخوردار است معطوف دارند و به حمایت نیرومند مادی، مالی، سیاسی و معنوی از خلق نامیبیا، از طریق یگانه نماینده قانونی آن سواپو، برخیزند.

۱۰– برنامه عمل:

– منزوی ساختن کامل سازمان غیرقانونی اداری در نامیبیا؛

– اعمال مجازاتهای متنوع الزامی درباره آفریقای جنوبی، به موجب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد،

– انتشار وسیع قطعنامه‌های کنفرانس بین المللی همبستگی با مبارزه خلق

۵

سوریه در خط...

...دره‌ی تنگ سبز زمردبا را دا که میان صخره‌های متراکم خاکستری تیره پیچ و تاب می‌خورد، پس از مسافت‌هایی به واحه‌ی سبز و خرم **قوتا** در هما مون منتهی می‌گردد. این دره‌ی حاصلخیز منبع تغذیه‌ی پایتخت و دیگر شهرهاست. جلگه‌های بایر زیر کشت رفته‌اند. سد بزرگ **فرات** در شمال به آبیاری ده‌ها هزار زمین و تامین روشنایی صدها روستا کمک می‌کند. دهقانان روی زمینهای گسترده‌ای به کشت و زرع مشغولند که سابقا از املاک فئودالها بودند. اصلاحات ادامه دارد. طبق آمار وزارت کار و امور اجتماعی در جمهوری عربی سوریه هنوز بیش از ۵۰۰۰۰ اشراف روستایی و دهقان دولتمند وجود دارد که به استثمار دهقانان مزدور مشغول اند یا زمین های خود را اجاره می‌دهند. از سوی دیگر ۱۰۰۰۰۰ دهقان بی نصیب از تقسیم زمین و کارگر کشاورزی وجود دارد.

جنبش تعاونی گسترش می‌یابد رهبران به فروریختن وابستگی سنتی دهقانان به استثمارگران روستایی کمک می‌کنند. اکنون تعاونی ها بیش از ربع تولیدکنندگان را دربر می‌گیرند و کمک‌های جنسی، بذر و سیمان بین اعضای خود تقسیم می‌کنند.

امیدهای زیادی به بخش عمومی کشاورزی وجود دارد. دهقانان با ۶۰ درصد جمعیت فعال کشور مهمترین طبقه‌ی اجتماعی سوریه محسوب می‌شوند. آنها نزدیک به یک چهارم تولید ناخالص ملی و تقریبا دو پنجم صادرات را در دست دارند.

چهارمین کنگره‌ی حزب بعث سوسیالیستی عرب که حزب حاکم سوریه است در ۱۹۶۸ تحکیم و توسعه‌ی بخش عمومی را بخش تعیین کننده در اقتصاد کشور اعلام نمود. سرمایه‌ی ثابت این بخش از ۱۷۰ میلیون لیره‌ی سوری در ۱۹۶۳ به ۵/۵ میلیارد در ۱۹۷۶ رسیده است. دولت در صنایع معدن و تولید برق و در دو سوم تولید صنعتی و ۷۰٪ تجارت خارجی فرمانروایی دارد.

با وجود مقاومت قشرهای بورژوایی در سیاست دولت، بخش عمومی پیوسته پیشرفت نمود و اکنون در جهت تبدیل شدن به پایه‌ی اقتصاد ملی وضع مساعدی دارد. در این زمینه، همکاری با جامعه‌ی سوسیالیستی، مخصوصا اتحاد شوروی مانند قلمروهای دیگر پربار و سودمند بوده است. تاسیس مجتمع برق آبی فرات، برقی کردن، ساختمان راه‌های آهن، استخراج نفت و سامان دادن بخش های دیگر اقتصاد ثمره‌ی این نوع همکاری های متقابلا سودمند است. سال گذشته، **فاینانشل تایمز لندن** مجبور به این اعتراف شد: **"اتحاد شوروی ثابت کرد که دوست کاملا مطمئن سوریه است"**.

...در دمشق یکی از تاکسی‌رانان گفت: **"اگر مصریها تنها یک رهبر به نام ناصر داشتند، ما اکنون بیش از ۱۵۰ رهبر داریم که مانند ناصر فکر می‌کنند"**.

در حقیقت، پیش از ۱۹۷۰ سوریه به **"کشور کودتا های دولتی"** شهرت داشت. از زمان استقلال (۱۹۴۳) حداقل ۱۰ کودتا در این کشور رویداد.

پس از به قدرت رسیدن جناح چپ حزب بعث سوسیالیستی عرب در ۱۹۶۶ و مخصوصا پس از **"جنبش تصحیح"** در نوامبر ۱۹۷۰ به رهبری رئیس جمهور حافظ اسد، سوریه تا ۱۹۷۹ ثبات سیاسی زندگی کرده است.

بدیهی است خط مشی استوار ضد امپریالیستی رهبران سوریه و مخالفت فعال آنان با بند و بست **کمپ دیوید** خوشایند واشنگتن و متحدین خاورنزدیک وی **قاهره** و **تل‌آویو** نیست.

حوادث تابستان ۱۹۷۹ نشان داد که در **سوریه** خائنین مزدوری پیدا می‌شوند که به تشویق و کمک مالی آمریکا حاضر به برادرکشی و قتل عام مردم اند. چنانکه شاگردان مدرسه‌ی افسران توپخانه‌ی حلب در شمال که ابتدا با آژیر خطر ساختگی در سالن گرد آمده بودند، توسط سه مرد از جمعیت مخفی افراطی **"اخوان المسلمین"** به مسلسل بسته شدند. سپس برخوردهای مذهبی در **لاطاکیه** رویداد و عملیات تروریستی در چند شهر صورت گرفت.

رئیس جمهور حافظ اسد و اطرافیان وی زود کشف کردند که **"اخوان المسلمین"** به رهبری سازمان سیای آمریکا و موساد اسراییل دست به آشوب های اخیر زده است. در سپتامبر ۱۹۷۹، هفته‌نامه‌ی بیروتی **الکفایه العربی** اظهارات **ح. شیخا** و مفسر با نفوذ **تل‌آویو** را درباره‌ی **"ضرورت وادار کردن"** سوریه به شرکت در مذاکرات مصر ـ اسراییل درج نمود. به عقیده‌ی او برای دست یافتن به این هدف باید تحریکاتی بوجود آورد که دمشق ناچار شود به مذاکره تن در دهد. تهدید متناوب سوریه و ایجاد یک موقعیت طبیعی برای هدایت سوری ها به تغییر استراتژی به این هدف کمک می‌کند. **الشرع** چاپ بیروت گفتگوهای **برژینسکی** مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا را در رابطه با حوادث سوریه چنین یادآوری می‌کند: **"مسائل اختلاف مذهبی اعراب را متقاعد خواهد کرد که خطرات دیگر داخلی و خارجی وجود دارد که تنظیم آنها مهمتر از مبارزه با اسراییل است. اغتشاشات مذهبی در خاورنزدیک موجب می‌شود که میل و اراده به جستجوی راه‌های تنظیم کلی منازعه بین اسراییل و اعراب در همه‌ی کشورهای منطقه بوجود آید"**. آیا **"سبک"** سرویس های پنهانی آمریکا و اسراییل بسیار نمونه‌وار نیست؟

جبهه‌ی ملی پیشرو سوریه متشکل از حزب بعث سوسیالیست عرب و سایر تشکیلات و سازمان ها از جمله حزب کمونیست سوریه در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ درباره‌ی حوادث مورد اشاره اعلامیه‌ای منتشر نمود. این سند درباره‌ی فروخشکانیدن زمینه‌های اجتماعی **"اخوان المسلمین"** که آنها بر اساس آن دست به تبلیغات ضد دولتی می‌زنند، چاره اندیشی کرد. اعلامیه برای تثبیت اوضاع داخلی برنامه‌ی عمل زیر را پیشنهاد کرد: اقدام علیه بورژوازی انگل، بوروکراسی و فساد در دستگاه دولتی، اعتلای روزافزون نقش شورای خلق (مجلس)، جبهه‌ی ملی پیشرو، سندیکاها و سازمان های اجتماعی.

در بهار گذشته کوشش های **"اخوان المسلمین"** در گسترش فعالیت های جنایتکارانه عقیم ماند. **حافظ اسد** در نطق ۸ مارس خود در رادیو ـ تلویزیون اظهار داشت که هدف ارتجاع و افراطیون مذهبی نه تنها مقامات دولتی، بلکه دستاوردهای اجتماعی زحمتکشان است. از این رو تصمیم گرفته شد برای مبارزه با تروریسم گردان هایی از کارگران و جوانان انقلابی بوجود آید. در بسیاری از شهرها کمیته‌های دفاع از میهن متشکل از اعضای حزب حاکم، کمونیست ها و سایر عناصر مترقی تشکیل شده است. در نیمه‌ی نخست ژوئیه، شورای خلق درباره‌ی منع فعالیت و مجازات دارودسته‌ی **"اخوان المسلمین"** قانونی را به تصویب رساند. همزمان اعلام شد که اعضای این دارودسته به مدت یک ماه مهلت دارند خود را معرفی کنند و از عفو عمومی برخوردار شوند. این مهلت بار دیگر تمدید شد. روزنامه‌ی **تشرین** گزارش داد که بیش از هزار تن از اعضای این **"جمعیت"** ابراز ندامت کردند.

هشتمین کنگره‌ی حزب بعث سوسیالیست عرب در تصمیمات خود از ضرورت اقدام جدی بر ضد بقایای باندهای **"اخوان المسلمین"** گفتگو کرده است. رویارویی جدید با عوامل امپریالیسم موجب گردید که پیوندهای همیارانه‌ی سوریه با کشورهایی که همیشه یاور وی در لحظات دشوار بوده اند، تنگ‌تر گردد. **حافظ اسد** در برابر اجتماع جوانان در زمین ورزش **دمشق** اعلام داشت: **"ما تصمیم گرفته‌ایم روابط دوستانه‌ی خود را با اتحاد شوروی به سطح عالی‌تر برسانیم"**. هشتمین کنگره‌ی حزب بعث سوسیالیستی عرب این راه را انتخاب کرد. پیمان مودت ۲۰ ساله‌ی سوریه با اتحاد شوروی که اخیرا به امضاء رسید جبهه‌ی نیروهای ضد امپریالیسم جهانی را در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع منطقه بیش از پیش مستحکم ساخت ■

ابرهای سیاه برفراز خلیج فارس

در هفته‌ی گذشته روزنامه‌ی **پرواداد** در دفاع از انقلاب ایران و افشای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بر ضد این انقلاب مقاله‌ای منتشر کرد که عینا از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

جیمز رستون مفسر آمریکایی در یکی از تفسیرهای اخیر خود که به فعالیت های انتخاباتی در آمریکا اختصاص دارد، می‌نویسد: مقامی که کارتر دارد به وی بر خلاف **ریگان** امکان می‌دهد که عمل کند. **رستون** می‌افزاید: کارتر عمل هم می‌کند. ضمنا باید گفت که این مفسر آمریکایی منطقه‌ی خلیج‌فارس را در نظر دارد که در آنجا درگیری مسلحانه میان ایران و عراق ادامه یافته است. حال ببینیم کارتر به چه عملیاتی دست زده است. ۲۱ اکتبر وزارت جنگ آمریکا اعلام کرد که در **خلیج عمان** یعنی در مجاورت مستقیم **خلیج فارس** مانورهای مشترک نیروی دریایی آمریکایی و انگلیس آغاز شده و جمعا ۱۸۰۰۰ نظامی و ۲۵ ناو جنگی، از جمله ناوهای هواپیمابر ضربتی آمریکایی **میدوی** و **آیزنهاور** و همچنین ۱۷۰ جنگنده در آنها شرکت دارند. این مانورها تا ۴ **نوامبر** ادامه خواهد داشت. بسیاری از ناظران خارجی در رابطه با این حوادث فورا این نکته را به خاطر آوردند که **اندرسن** مفسر آمریکایی دو ماه پیش طی مقالات منتشره در روزنامه‌ی **سانفرانسیسکو کرونیکو** جزییات طرح حمله‌ی مسلحانه‌ی آمریکا به ایران را که قرار است در نیمه‌ی دوم ماه اکتبر یعنی در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا صورت گیرد، فاش ساخت.

نمایندگان دولت آمریکا در رابطه با عکس العمل کاملا منفی که نقشه‌های وزارت جنگ آمریکا در جهان با آن روبرو شده اکنون تلاش می‌کنند محافل اجتماعی را تسلی بخشند و مدعی هستند که این مانورها در خلیج‌عمان با انتخابات آمریکا هیچ ارتباطی ندارد. اما می‌دانیم که تمرکز نیروهای مسلح آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس این اواخر ابعاد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است. خود **کارتر** چند روز پیش گفت که: دولت وی تمام تدابیر لازم را اتخاذ کرده تا بتواند در این منطقه‌ی بسیار مهم به سرعت عکس العمل از خود نشان دهد. رئیس جمهور آمریکا با لاف و گزاف افزود: ما در آنجا تکنیک و سازوبرگ نظامی برای ۱۲۰۰۰ تفنگدار دریایی و مهمات جنگی برای ۵۰۰ هواپیما و در اقیانوس هند ۲ واحد ضربتی هواپیمابر مستقر کردیم که برتری ما را در هوا ... تامین می‌کند و این امر به ما امکان می‌دهد که آنا عمل کنیم. **براون** وزیر دفاع آمریکا اضافه کرد که آمریکا در حال حاضر در دریای عمان واحدهای نیروی دریایی دارد که نیرومندتر از دیگر واحدهای نیروی دریایی هستند که سابقا در آنجا مستقر بودند. به حرف هایی که وزیر جنگ آمریکا زده اضافه می‌کنیم که بر اساس گزارش های ارگان‌های مطبوعاتی آگاه، آمریکا اکنون قریب ۶۰ ناو جنگی در آنجا مستقر کرده است. این نکته را نباید از نظر دور داشت که آمریکا از چند روز پیش به آموزش نیروهای واکنش سریع پرداخته است. هم اکنون این نیروها از ۲۵۷۰۰۰ سرباز ناوی و خلبان و تفنگدار دریایی زبده تشکیل شده اند. در چارچوب برنامه‌ی این آموزش اکنون مانورهای ستاد این نیروهای جدید مداخله‌گر در **فورت براگ** از ایالت کارولینای شمالی آغاز شده است.

مانورهای مشترک آمریکا و انگلیس در خلیج‌عمان و تعلیمات نظامی افراد نیروهای واکنش سریع محافل اجتماعی جهان را سخت نگران ساخته است و در عین حال در خود ایالات متحده این مانورها سوء ظن به وجود آورده است. روزنامه‌ی **نیویورک ... نیوز** نوشته است، دولت کارتر به بازی خطرناک دست زده است زیرا به نوشته‌ی این روزنامه کارتر ضمن کوشش برای آزادی **"گروگان"**ها تا چهارم نوامبر یعنی تا روز انتخابات ریاست جمهوری حاضر است از تمام وسایلی که در اختیار دارد، استفاده کند. روزنامه‌ی **نیویورک دیلی نیوز** به جا و به حق اشاره می‌کند که گسترش خطرناک دامنه‌ی درگیری مسلحانه در خاورمیانه ممکن است همان قیمتی باشد که در این صورت باید در مقابل حواس سیاسی رئیس جمهور آمریکا پرداخت ■

بقیه: اوژن پوتیه

که کموناردهای تیرباران شده آنجا به خاک سپرده شده بودند، بردند. پلیس با درگیری پرچم سرخ را به زور از چنگشان درآورد. جمعیت عظیمی در تشییع جنازه‌ی با شکوه او حضور داشت. فریادها از هر طرف بلند بود: **"زنده باد پوتیه!"**

پوتیه در تنگدستی مرد. اما بنای واقعا فنا ناپذیری را از خود به یادگار گذاشت. او یکی از بزرگترین شاعرانی است که با سرود به تبلیغ پرداخته اند. هنگامی که پوتیه نخستین سرودش را ساخته تعداد کارگران سوسیالیست کم و بیش به ده‌ها نفر می‌رسید. امروز ده‌ها میلیون پرولتر با سرود تاریخی اوژن پوتیه آشنا هستند...

استراتژی کنونی چندملیتی ها
(قسمت دوم)

شکلهای جدید توسعه

استراتژی کنونی چندملیتی ها در دنیای درراه رشددرجای نخست به عوامل سیاسی وتحول بنیادی اوضاعی که آن را به وجودآورده ،مشروط میگردد . کنترل سرمایه گذاری های انحصارات غربی ومحدودکردن قلمروهای کاربرد این سرمایه گذاری ها ازمسایل با اهمیت و حیاتی است که کشورهای جوان برای تحکیم استقلال اقتصادی شان درراه آن مبارزه میکنند .عده ای ازکشورها که دراندیشهٔ تحکیم مواضع خوددربازارجهانی هستند ، فعالیت انحصارات را به شرطی می‌پذیرند که صدورکالاهای تولیدی موسسات شان تضمین شده باشد .کامیابی سازمان اوپک درزمینهٔ کنترل ثروت های نفتی کشور- های عضوبه نوبهٔ خودبه بسیج کوششها در محدودکردن سهم کمپانی های امپریا- لیستی دردرآمدهای حاصله ازاستخراج منابع طبیعی کشورهای مستقل کمک کرده است .البته بررسی فعالیت چند ملیتی های نفتی درکشورهای عضواوپک خودبه تحلیل ویژه ای نیازداردکه خارج ازوظیفهٔ این مقاله است .

کشورهای آسیا ،آفریقا وآمریکای لاتین بیش ازپیش به ملی کردن کامل یا بخشی ازدارایی های موسسات خارجی روی می آورند .شمارملی کردن دارایی- های خارجی دردههٔ ۶۰بطورمتوسط بیش از۴۷ ودردههٔ ۷۰، ۱۴۰ موردبوده است . چیزی که دراین جا جنبهٔ ویژه دارد این است که کشورهای رهایی یافته طی همین دوره نه تنها به انحصارات کشورهای استعماری قدیم- انگلستان وفرانسه- بلکه به کمپانی های آمریکایی ،سردمدا- ران توسعه طلبی نواستعماری ،ضربات جدی واردکرده اند .

ملی‌کردن بیشترکمپانی های تولید کنندهٔ موادا ولیه معدنی وکشاورزی را زیر ضربه قرارمی‌دهد .دامنهٔ فعالیت های این کمپانی ها درکشورهای جوان خیلی بیشترازکمپانی های صنایع تبدیل مواد است .ازمجموع ۹۱۴ شرکت غربی که در فاصلهٔ سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۰ملی شدند ، ۴۰۲شرکت درشاخه های معدن،استخراج نفت وکشاورزی فعالیت می‌کردند .

نتیجه این که فعالیت سرمایه گذاری چندملیتی ها درشاخه های تولید مواد اولیه دنیای درراه رشدبا لنسبه کندشده است .چندملیتی ها می‌کوشندقلمرومکانی منابع موادا ولیه خودرا وسعت بخشندو خودراازمناطقی که برایشان "**خطرناک**" است ،بیرون کشند .چندملیتی ها ازراه هدایت سرمایه گذاری های خودبه شاخه- های موادا ولیه کشورهای صنعتی دربرابر سیاست کشورهای جوان مبنی بربرقراری حاکمیت شان برمنابع ملی واکنش نشان می‌دهند .تغییراتی که درمیزان سرمایه- گذاری های صنعت استخراج کشورهای سرمایه داری پدیدآمده به این امرگواهی می‌دهند .ازاین رو ،می‌بینیم که سهم کشور- های درراه رشدا ز۳۴/۶% در۱۹۶۵- ۱۹۶۱ به ۱۴/۴% در۱۹۷۵-۱۹۷۱ کاهش یافته است .

چندملیتی‌ها به واسطهٔ جونا مساعدی که درعده ای ازکشورهای رهایی‌یافته برای سرمایه گذاری هایشان به وجودآمده ، ناچارشده اندشکل های جدیدی برای توسعه طلبی خودانتخاب کنند .**رابرت‌هاو کینزوبرترامفین** اقتصاددانان آمریکا- یی پس ازارزیابی جوانب مسائل جاری ودورنماهای گسترش کمپانی های بین المللی تاییدمی‌کنندکه :"**درحال حاضر ،باباقی ماندن شکلی ازفعالیت برای چندملیتی های اروپای غربی و آمریکایی درخارج ،شعبه ها با مالکیت کامل اهمیت سابق شان را مخصوصا در کشورهای درراه رشدازدست می‌دهند**"

انحصارات مهم غربی درفعالیت عملی کنونی به‌جای استفاده ازنظام قدیمی امتیازات ازشکل های جدید فعالیت چون شرکت های مختلط،قراردا د- های لیسانس ومدیریت ،قراردادهای خدمات پس ازفروش، موافقت نامه های بازاریابی وتوزیع وغیره سودمی‌جویند. این شکل ها مستلزم سرمایه گذاری های کلان نیستندوبنابراین زیان های مهمی ببارنمی‌آورند .

اگردرآغازدههٔ ۷۰ این گرایش‌در فعالیت های چندملیتی ها درمرحلهٔ رخ نمودن بود ،امروزآثارآن درهمه جا دیده می‌شود .سیاست کشورهای درراه رشدکه می- کوشندسلطهٔ چندملیتی ها رادراقتصاد- شان محدودسازندودرعین حال از نداشتن منابع مالی وتکنولوژیک رنج می‌برند ،به‌گرایش مزبورکمک می‌کند. از این رو ،آنها تشکیل **شرکتهای مختلط** را، ازراه اعطای برخی ازامتیازات به این کشورها وانعقادموافقت نامه هایی بین چندملیتی ها وشرکت های محلی وسازمان- های دولتی بدون تشکیل دارایی های مشترک ،تشویق می‌کنند .

گرایش به نوسازی مالکیت چند ملیتی ها درکشورهای جوان به سودشعبه- های مختلط ازهرسونمایان است .سنگینی ویژهٔ این شعبه‌ها درچندملیتی های همه کشورهای سرمایه داری افزایش یافته است .مثلا اگردراواسط دههٔ ۷۰چندملیتی - های آمریکایی ۵۸۰ موسسه فرزند بوجودآوردندکه در۱۰۰% آن شرکت داشتند در۱۹۷۵ تعداداین موسسات به ۵۲۳ تقلیل یافت .

همچنین باید به اهمیت فزاینده انواع‌شعبه هایی اشاره‌کردکه ازدههٔ ۷۰ مانندکمپانی های مختلط با سرمایهٔ مختلط فعالیت می‌کنند .با این که کمتر از۹۵% سهام‌شرکت هایی که با شعبه های خارجی درارتباط اند ،به‌کمپانی مادر تعلق دارد ،موسسهٔ مختلط ،یک شرکت سهامی به‌ظاهرمستقل است که براساس‌اصل تساوی سازمان یافته .دردههٔ ۵۰کمتراز ۸% شعبه های خارجی چندملیتی های‌ایالات متحده طبق اصل مالکیت مختلط بوجود آمدند ،دردههٔ ۷۰این رقم‌تقریبا به ۱۱% افزایش یافت .وزن مخصوص شرکتهای مختلط - بیشترصوری وکمترماهیتی -در میان چندملیتی های سایرکشورهای امپر - یالیستی نیزفزونی یافت واز۶% به ۷% رسید .

رقابت برسرکنترل کمپانی های مختلط به موضوع‌حادومبارزهٔ چندملیتی‌ها وسرمایهٔ ملی محلی تبدیل شده است . واقعیت این است که تنها توزیع مساوی سهام‌درشرکت هایی که تاسیس میشود ،خود به تنهایی دست یافتن به بازارجهانی ، تکنولوژی ومنابع موردنیازرا برای کشور - های درراه رشدکه می‌کوشندآنها را با توسل به‌شرکت مختلط برای خودتامین نمایند ،تضمین نمی‌کند .ازجمله‌عواملی که به‌عقیدهٔ کارشناسان سازمان ملل‌متحد موجب می‌شوندکه کشورهای جوان نتوانند ازشرکتهای مختلط به‌نفع‌پیشرفت اقتصادی - شان استفاده‌کنند ،می‌توان ازنظام تصمیم‌گیری براساس رای اکثریت (که غالبا ازجانب چندملیتی ها برشرکایشان تحمیل می‌شود) ،ازنفوذ فنی ،اداری‌ومالی چندملیتی ها درمدیریت شرکت مختلط تازه تاسیس یافته وبالاخره ازبی‌اطلاعی و بی تخصصی مدیرانی که به‌وسیلهٔ دولت انتخاب می‌شوند ،نام‌برد .

چندملیتی‌ها درجریان سازمان‌دادن شرکت های مختلط امکان یافته اندکه امتیازحل مسائل کلیدی چون تعیین عرصهٔ فعالیت موسسهٔ جدیدفروش بخشی‌از دارایی‌های آن ،انتشارسهام‌تکمیلی ، اخذوام‌بیش ازمیزان مقرر ،استفاده از منابع برای توسعهٔ تولیدوغیره را بخود اختصاص دهند .سیستم‌تصمیم‌گیری‌به سود چندملیتی‌هاست ،زیراآنها نه‌تنها از اکثریت آراء بلکه درحل مسایل اساسی مدیریت از**حق وتو**برخوردارند .این سیستم‌به انحصارات امکان می‌دهدکه شرکت مختلط رازیرکنترل خوددرآورند .چند ملیتی ها ازاین موقعیت برای بهبود روابط خودوتهیهٔ منابع‌برای خویش استفاده می‌کنند ،نه این که به‌کشورهای‌در راه رشدکمک کنندتاهدف هایشان به‌اجرا درآید .

به این دلیل درسالهای اخیرکشور - های جوان هرچه بیشترترجیح‌می‌دهندبه جای تشکیل شرکت مختلط ازراه انعقاد قراردادبا چندملیتی‌ها رابطه برقرار کنند .یکی‌ازشکل های جدیدفعالیت چند ملیتی‌ها که بسیاررواج‌دارد ،تنظیم‌قرار دادهای همکاری فنی باکشورهای جوان است .طبق این قراردادها چندملیتی ها متعهدمی‌شونددرازاء دریافت حق‌الزحمه ویژه خدمات فنی لازم‌را برای اجرای طرح معینی تامین نمایند .درعین حال آنها درهیچ مرحله‌ای‌ازتکمیل طرح‌به‌عنوان مالک آن شناخته نمی‌شوند .

چندملیتی‌ها درجریان اجرای قرار - دادهای کمک فنی به‌هیچ‌وجه‌درسرمایه - گذاری های طرح‌دخالتی ندارند .کلیه وجوه‌توسط کشورهای درراه رشدکه مالکان مطلق منابع طبیعی ،تجهیزات وابزار تولیدند ،تامین می‌شود .چندملیتی ها خدمات فنی‌را به‌شکل کمک درتمام‌مراحل اجرای طرح‌به‌عهده‌دارند .این خدمات شامل کاوش‌های زمین شناسی،امور مهندسی،تدارکات متالورژی،اطلاعات درباره‌ٔ اکتشاف‌روشهای اجرای طرح، برنامه‌های آموزش وتربیت پرسنل و سرویس‌های اطلاعات می‌باشد .شرکتهای چندملیتی دربازاریابی کالاها هیچ مسئولیتی ندارندومجبورنیستندبخش معینی ازکالاها راکه‌به موجب طرح‌مذکور تولیدشده ،خریداری کنند .

شکل های جدیدتوسعهٔ چندملیتی - ها درکشورهای درراه رشدرانمی‌توان کمک واقعی به‌کشورهای جوان تلقی نمود .این نوع‌کمک ها همیشه درقالب بسیارمحدودودقیقا مشخص انجام‌می‌گیرند درحقیقت این جا مساله عبارت از"**کمک**" به‌رشدسرمایه‌داری درمناطق عقب مانده وفراهم‌آوردن زمینهٔ اقتصادی - اجتماعی لازم‌برای فعالیت انحصارات غربی‌است .

درآخرین تحلیل،شعبه‌های مختلط، موافقت نامه‌ها وقراردادها درشرایط جدیدتاریخی به‌دومنظورافزایش می - یابند :

۱- حفظ مواضع سرمایهٔ مالی ایالات متحده وسایرکشورهای امپریا - لیستی

۲- تحکیم‌موقعیت بورژوازی بزرگ محلی دربرخی کشورهای درراه رشد .

چندملیتی‌ها به‌پیدایش یک طبقه دولتمندملی که به‌موهبت همکاری با امپریالیسم ودرآمیختن با آن صاحب ثروت می‌شوند ،کمک می‌کنند .این "**درآمیختن**"با منافع انحصارات کاملا مطابقت دارد .چندملیتی ها با مطابقت دادن فعالیت هایشان با نیازهای کشور - های درراه رشدازآن برای توسعه‌نفوذ اقتصادی ،سیاسی وایدئولوژیک خود استفاده می‌کنند .

از لنین:

اوژن پوتیه

برای بیست‌وپنجمین سالروزمرگش

درنوامبر ۱۹۱۲ ،بیست وپنج‌سال از مرگ اوژن پوتیه‌کارگرشاعر ،مولف سرود پرولتاریایی **انترناسیونال"برخیز،ای داغ نفرت خورده . . .**"می‌گذرد .

این سرودنه‌تنها به‌همهٔ زبانهای اروپایی ،بلکه به‌اکثرزبانها ترجمه‌شده است .هنگامی که‌کارگرآگاهی درکشوری با ناکامی روبروگردد وسرنوشت او را به‌سرزمین دیگری راند ،بیگانگی ،محرومیت از زبان ودوستان ودوری ازمیهن را احساس‌کند ،می‌تواندرفیقان ودوستانش رادرسرودانترناسیونال بیابد .

کارگران همهٔ کشورها سرودشاعر- پرولتررا که‌مبارزپیشاهنگشان بود ، برگزیدندوآن را به‌سرودجهانی پرولتاریا برگزیدندوآن رابه‌سرودجهانی پرولتاریا مبدل ساختند .

کارگران سراسرجهان امروزیاد **اوژن پوتیه** راگرامی می‌دارند .زن و دخترش‌که‌هنوز زنده‌اند ،همچون دوران زندگی‌این مولف **انترناسیونال** ،در بینوایی به‌سرمی‌برند .او۴ اکتبر ۱۸۱۶ درپاریس زاده‌شد .نخستین ترانه‌اش را تحت عنوان:**زنده‌باد آزادی** درچهارده- سالگی سرود .در۱۸۴۸ درسنگرپیکارعظیم کارگران علیه‌بورژوازی جنگید .

پوتیه‌درخانوادهٔ فقیری به‌دنیا آمد .اوکه‌نخست درنوانخانه به‌سرمی‌بردو بعدباطراحی نقشه‌برای پارچه‌زندگی‌می- گذراند ،درسراسرزندگیش همچنان فقیرو پرولترباقی‌ماند .

اوازهمان آغاز۱۸۴۰ ،درپرتوسرود - های رزمی که‌وجدان عقب ماندگان را با آنها بیدارمی‌ساخت ،کارگران را به یگانگی فرامی‌خواند ،بورژوازی وحاکمان بورژوای کشور راسرزنش می‌کرد ،ودرهمهٔ حوادث مهم‌فرانسه اثرگذاشت .

در ۱۸۷۱ ،به‌عضویت کمون کبیرپاریس درآمد .از۳۶۰۰ رای دهنده ۳۳۵۲ نفربه اورای دادند .اودرکلیهٔ فعالیت های کمون،یعنی نخستین حکومت پرولتاریایی شرکت جست .

پس ازسقوط کمون،پوتیه‌ناگزیرشد نخست به‌بریتانیای‌کبیر بعدبه‌آمریکا پناه‌ببرد .اودرژوئن ۱۸۷۱ یعنی در حقیقت پس ازشکست ماه‌مه ،سرودمعروف **انترناسیونال** راپدیدآورد . . .

کمون درهم‌شکست . . .اما **انترنا - سیونال** پوتیه اندیشه‌های آن رادرسراسر دنیاپراکندوامروزبیش ازهروقت زنده است .

پوتیه‌درسال ۱۸۷۶ هنگامی که در تبعیدبود ،منظومه‌ای را به‌نام :**کارگران آمریکا به‌کارگران فرانسه** ،سرود او در این منظومه‌زندگی کارگران رادرزیر یوغ‌سرمایه‌داری وبدبختی ،کارا جباری - شان استثماروا عتماداستوارشان رابه پیروزی‌هدفشان درآینده تصویرمی‌کند .

پوتیه‌تنها وقتی به‌فرانسه بازگشت که‌نه‌سال ازحادثهٔ کمون گذشته‌بود ،او درآن هنگام به‌عضویت **حزب کارگر**پذیرفته شد .نخستین جلداشعارش در۱۸۸۴ منتشر شد .دومین جلداشعارا ودر۱۸۸۷ به‌نام **سرودهای انقلابی** انتشاریافت .

ترانه‌های دیگرکارگرشاعرپس از مرگش به‌چاپ رسید. ۸نوامبر ۱۸۸۷ ،کارگران پاریس جسدپوتیه‌را به‌گورستان پرلاشز

بن‌بست کمپ دیوید

حاکمان قاهره پیش از بند و بست با صهیونیست‌ها از خط مشی ناصر در سیاست داخلی روی گرداندند. سادات پس از رسیدن به مقام رئیس جمهوری به دستاوردهای انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ یورش برد، بخش‌های خصوصی را تشویق نمود و بخش‌های دولتی را که در زمان ناصر پایهٔ اقتصاد ملی را تشکیل می‌داد، متوقف کرد. **«لیبرالی کردن اقتصاد»** که از دیرباز مورد ستایش سادات بود، موجب همپیوندی سرمایه‌داری با استعمار نو و رشد بورژوازی گردید. از این سیاست در جای نخست کسانی سود بردند که از انقلاب ژوئیه لطمه دیده بودند مانند: بورژوازی شهر و روستا، کارفرمایان، واسطه‌ها و سوداگران. آنها توانستند کنترل دستگاه دولتی را که به دولتمند شدن شان کمک می‌کند، در دست گیرند. برنامه‌ریزی اقتصاد عملا وجود ندارد. موج کالاها و سرمایهٔ خارجی که به کشور سرازیر شدند موجب کسر موازنهٔ پرداخت‌ها و وابستگی مصر به دنیای سرمایه‌داری گردید. رهبری جدید اصلاحات ارضی را در روستا متوقف ساخت. زمین‌هایی که در زمان ناصر از بزرگ مالکان پیشین ضبط و بین دهقانان تقسیم شده بود، دوباره به عدهٔ زیادی از آنان باز پس داده شد.

این سیاست زحمتکشان را ناراضی کرده است. خشم آنها گاه به صورت اعتصابات کارگری و گاه به شکل راهپیمایی‌های دانشجویان یا اغتشاشات دهقانان بروز می‌کند. در مصر هنوز سخنانی را به یاد می‌آورند که ناصر در ۱۹۶۸ ایراد نموده بود: **«ما باید کشور را رشد دهیم، و پیشرفت آن را نه به نفع گروه کوچکی از افراد بلکه به نفع تمام خلق تامین کنیم».**

تغییر خط مشی در داخل کشور پس از مرگ ناصر با سمت‌گیری جدید سیاست خارجی همراه بود. در قاهره از عقب‌نشینی **«بدون خونریزی»** گروههای اسرائیلی از بخشی از سینا با افتخار یاد می‌کنند. در نبرد اکتبر ۱۹۷۳ هزاران سرباز مصری نه تنها برای آزادی سینا، بلکه برای طرد همه دار و دسته‌های متجاوز تل آویو خون خود را به زمین ریختند. جمال عبدالناصر در نطق خود در دانشگاه قاهره در ۲۵ آوریل ۱۹۶۸ گفت: **«مسالهٔ طرد دار و دسته‌های متجاوز اسرائیلی تنها به عقب‌نشینی گروه‌های اسرائیلی از سینا محدود نمی‌شود. اگر موضوع این بود، خیلی زود با دادن امتیازی می‌توان به این نتیجه رسید... اما مساله عبارت از سرنوشت ما و سرنوشت اعراب است. برای آزاد کردن سینا باید شرایط آمریکا ـ اسرائیل را پذیرفت و اورشلیم، کرانه‌های رود اردن و سایر اراضی اعراب را به اسرائیل داد... علاوه بر این باید به تعهدات خود در برابر دنیای عرب خیانت نمود... مساله به سینا ختم نمی‌شود و بسیار وسیع‌تر و عمیق‌تر از آن است: بودن یا نبودن... یک دولت مستقل و صاحب حاکمیت باقی ماندن یا وارد قلمرو نفوذ شدن: مساله این است».**

به بیان **یاسر عرفات** خیانت سادات به امر اعراب در برابر **«مشتی شن صحرای سینا»** موجب تنظیم قرارداد ننگین مصر با صهیونیست‌ها و تشدید وخامت در تمامی خاورنزدیک شده است.

امروز مقامات رسمی قاهره وانمود می‌کنند که از تصمیم اسرائیل در الحاق تمامی اورشلیم و اعلام آن به عنوان **«پایتخت واحد و تقسیم ناپذیر»** به خشم آمده‌اند. اما این امر مانع از مذاکرات جدید با غاصبان فلسطین نشد. حاکمان قاهره مدعی‌اند که هدف شان از این مذاکرات دفاع از حقوق فلسطینی‌هاست!! اما همانطور که ناصر در مارس ۱۹۶۹ تاکید نمود، مبارزه برای امر عادلانهٔ فلسطینی‌ها عبارت از **«حداکثر پشتیبانی از مقاومت فلسطین»** از جمله **«کمک مادی و نظامی به نیروهای آن است»** و همچنین اعلام نمود: **«مصریها به مردم اورشلیم با شکوه تمام وعده می‌دهند که هرگز در برابر آنچه که اسرائیل می‌خواهد به آنها تحمیل کند سر تسلیم فرود نخواهند آورد. مردم اورشلیم بخشی از ملت عرب‌اند و هیچکس حق ندارد، آنان را از این شهر بیرون راند...».**

جمال عبدالناصر تاکید می‌نمود که آمریکا همدست و یاور اصلی متجاوزین است: **«ایالات متحدهٔ آمریکا مسئول اصلی تشدید بحران در خاورنزدیک است. از آغاز موضع این کشور با دیدگاه و موضع اسرائیل در این مساله یکی بود. و این، با اطمینان‌های آمریکا که می‌خواهد با اعراب در صلح زندگی کند، منافات دارد».**

اکنون مقامات رسمی قاهره آمریکا را دوست و متحد خود می‌دانند. آنها به ستایش از **«کمک»** اقتصادی و نظامی آمریکا مشغولند که استقلال کشور وثیقهٔ آن است. واشنگتن رفتارش را تغییر نداده، همچنان به پشتیبانی تمام عیار از **تل آویو** مشغول است. مصر هرچه بیشتر به ابزار امپریالیسم آمریکا در خاورنزدیک و میانه و آفریقای شمالی بدل می‌شود. امروزه واحدها و مشاورین نظامی مصر برضد متجاوزین صهیونیست و استعمارگران مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. از آنها برای سرکوب جنبش‌های خلقی در برخی کشورهای آفریقا و در عمان استفاده می‌شود. شرکت واحدهایی از مصر در نگهبانی از رژیم فاسد صدام نمونهٔ دیگری از حضور ارتجاعی مصر در منطقه است. ضد انقلاب افغان در اردوگاه‌های مصر آموزش نظامی می‌بینند. در ۱۹۷۷ رژیم سادات برضد لیبی، کشور عربی برادر که راه رشد مترقی را در پیش گرفته دست به تجاوز زد و دوباره واحدهای نظامی‌اش را در کنار مرزهای این کشور متمرکز ساخت. رهبری کنونی قاهره پایگاه‌های نظامی آمریکا را در خاک خود پذیرفته است. تمرین یک اسکادران شامل ۱۲ جنگندهٔ فانتوم اف ۱۴ آمریکایی به مدت سه ماه در مصر که در یازدهم مهرماه امسال پایان یافت و نیز اعزام ۱۴۰۰ سرباز و یک اسکادران که متشکل از ۱۲ هواپیما می‌باشد، برای انجام مانورهای مشترک نظامی با مصر در ۲۲ آبان ماه نمونه‌هایی از همکاری‌های نزدیک نظامی این دو کشور است. فرودگاه‌های مصر در آوریل گذشته برای انجام **«عملیات نجات»** در ایران مورد استفادهٔ هواپیماهای آمریکایی قرار گرفت.

رهبران کنونی مصر با گردش به راست و روآوردن به آمریکا دوستان واقعی مصر را دشمنان مردم این کشور معرفی می‌کنند. ناصر همیشه تاکید می‌نمود که دوستی با اتحاد شوروی ضامن مطمئنی برای حفظ استقلال مصر است. او در ۲۷ مارس ۱۹۶۹ در این باره گفت: **«ما همیشه نسبت به اتحاد شوروی به خاطر رفتاری که با ما و مبارزهٔ مشروع ما دارد، احساس حق‌شناسی می‌کنیم. ما از ۱۹۵۵ از اتحاد شوروی اسلحه دریافت می‌کنیم. اما تاکنون هیچ جا نشنیده‌ایم که از ما کوچکترین توقع و انتظار سیاسی داشته باشد. اتحاد شوروی هیچ شرط و توقعی که غرور ملی ما را جریحه‌دار کند، مطرح نکرده است. علاوه بر تهیه سلاح، ما به خاطر اعتقاد به جنبش رهایی‌بخش ملی خلقها، داشتن موضع ضد امپریالیسم و اعتقادمان به مبارزه علیه استعمار نو و نقشه‌های خائنانهٔ امپریالیسم با اتحاد شوروی پیوند داریم».**

تجربهٔ طولانی مبارزه برای ساختمان مصر نوین به روشنی به ناصر نشان داد که دوستان و دشمنان واقعی مصر چه کسانی هستند. او در این باره می‌گوید: **«دوستان ما کسانی هستند که به عادلانه بودن موضع ما باور دارند و در این امر درست به ما یاری می‌کنند. دشمنان ما آنهایی هستند که مواضع و منافع شان با مواضع و منافع دشمنان ما تطبیق می‌کند. اتحاد شوروی در نبردی که ما با متجاوزین داریم پشتیبان ماست و از موضع ما دفاع می‌کند. ایالات متحدهٔ آمریکا در برابر ما موضع دشمنانه دارد».**

سادات به این اصول ناصر پشت پا زده، اعلام می‌دارد که ایالات متحده و اسرائیل دوستان واقعی مصرند.

مردم مصر علیرغم بند و بست خائنانه سادات آرمان‌های شریف و عادلانهٔ ناصر را در قلب خود محفوظ نگاه داشته‌اند. بسیاری از کشورهای عربی این آرمان‌ها را در فعالیت عملی خود بکار می‌بندند. خلقهای عرب با قوت و استحکام سیاست ارتدادی و بند و بست طلبانهٔ سادات را محکوم می‌کنند. در مصر جبههٔ مقاومت شدیدی در برابر سادات قد علم کرده است. کشورهای مترقی عرب و جبههٔ آزادی‌بخش فلسطین در برابر فشار خائنانه و انشعاب طلبانهٔ سادات یک جبههٔ پایداری بوجود آورده‌اند. قاهره کمک مالی قابل ملاحظه کشورهای عرب تولیدکنندهٔ نفت را از دست داده است. کشورهای عرب رابطهٔ سیاسی و اقتصادی خود را با مصر قطع کرده‌اند. در خود مصر نمایندگان گرایش‌های مختلف سیاسی ـ اجتماعی برضد قرارداد ننگین جداگانه با اسرائیل به مبارزه برخاسته و خواستار لغو این سند اسارت بارند. آنها برضد اعطای پایگاه‌های نظامی به پنتاگون، در راه احیای رابطهٔ دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی، بازگشت مصر به جرگهٔ کشورهای مترقی عرب برضد تجاوز اسرائیل، در راه تحکیم اقتصاد ملی در جای اول تکیه به بخش عمومی در روی‌گرداندن از سرمایهٔ خارجی و محلی مبارزه می‌کنند.

همانطور که محافل دموکراتیک مصری وفادار به رهنمودهای ناصر معتقدند تامین استقلال واقعی کشور، تنظیم استوار و عادلانهٔ مسائل خاورنزدیک تنها بر اساس اصول فوق میسر است. جمال عبدالناصر در این باره تاکید می‌نمود: **«آنچه ما به آن فکر می‌کنیم تنها حل مسالهٔ خاورنزدیک نیست، بلکه کیفیت حل آن است. شایستگی و عظمت، آینده و سرنوشت ما به راه حل مناسب مساله بستگی دارد».**

به عقیدهٔ عناصر مترقی دنیای عرب، آیندهٔ مصر و دنیای عرب به اجرای رهنمودهای جمال عبدالناصر، این چهرهٔ برجستهٔ جنبش رهایی‌بخش ملی بستگی دارد ■

اتحاد مردم
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
سردبیر: محمدتقی برومند
آدرس: خیابان سزاوار شمارهٔ ۱۸۹
تلفن ۶۴۴۳۸۴
چاپ کاویان تلفن ۳۱۶۲۰۹

بقیه: قطعنامه دربارهٔ نامیبیا

نامیبیا (منعقده در پاریس، سپتامبر ۱۹۸۰)،

– ترتیب بازدیدهایی از سوی هیئت‌های نمایندگی سواپو از کشورهای باختری، بویژه از کشورهای عضو «گروه تماس» به منظور تسلیم قطعنامه‌های کنفرانس نامبرده به آنها.

قطعنامه دربارهٔ ویتنام

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح در نگرانی عمیق همهٔ ملت‌ها از این بابت سهیم است که جنوب شرقی آسیا به سبب سیاست توسعه‌طلبی و برتری‌جویی رهبران چین با همدستی نیروهای جنگ‌افروز امپریالیسم و ارتجاع بین‌المللی به صورت یک کانون جنگ درمی‌آید، ـ و این سیاست دنبالهٔ تجاوز پردامنهٔ فوریه و مارس ۱۹۷۹ می‌باشد که در آن یک نیروی چینی ششصد هزار نفری شرکت داشت.

سربازان چینی همراه هزاران تانک مردم غیرنظامی را کشتار و شمار بزرگی از مراکز فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و اقتصادی را ویران می‌کنند. مقامات چینی هم اکنون ده‌ها لشکر در نزدیکی مرز ویتنام متمرکز ساخته هر روز دست به تحریکات مسلحانه می‌زنند و پیوسته تهدید می‌کنند که «درس تازه‌ای» به ویتنام خواهند داد.

سیاست متکی بر زوری که مقامات چینی برضد ویتنام، برضد ملتی که ابتدا از دست استعمارگران فرانسوی و سپس از ناحیهٔ امپریالیستهای آمریکایی آزار و ستم ناشنیده‌ای را متحمل شده با این همه پرچم استقلال و صلح را مدام برافراشته نگه‌داشته است، تعقیب می‌کنند تجاوز خشنی به قانون بین‌المللی است و همهٔ ارزش‌های بشری را زیر پا می‌گذارد.

یک چنین سیاستی از ویژگی‌های شووینیسم «ملت سرور» و [illegible] چین است که مدعی‌اند حق دارند استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای دیگر را نادیده بگیرند.

این سیاست همچنین پیکارجویی با کلیهٔ نیروهای ملی ـ دموکراتیک و صلحدوستی است که برای تحکیم تشنج‌زدایی مبارزه می‌کنند و می‌کوشند تا به آرمان صمیمانهٔ همهٔ ملت‌ها برای تحقق صلح و دوستی و همکاری بین‌المللی دست یابند.

تدارکات پکن برای یک جنگ تجاوزکارانهٔ تازه برضد جمهوری سوسیالیستی ویتنام و خطری که این امر برای جمهوری دموکراتیک خلق لائوس در بردارد. و همچنین تهدید پکن به دخالت در امور داخلی جمهوری خلق کامپوچیا، تشنج فوق‌العاده‌ای در جنوب شرقی آسیا پدید می‌آورد.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح طلب می‌کند که مقامات پکن به تحریکات مسلحانهٔ خود برضد ویتنام پایان دهند و از نقشه‌های تجاوزکارانه‌شان دست بکشند و به استقلال و حاکمیت ویتنام و همچنین به تمامیت قلمرو آن در خشکی و دریا احترام بگذارند. از آن گذشته، پارلمان جهانی طلب می‌کند که پکن خسارات بزرگی را که در نتیجهٔ جنگ تجاوزکارانهٔ فوریهٔ ۱۹۷۹ و شلیک مداوم توپخانه‌اش پس از آن تاریخ به ملت ویتنام وارد کرده است جبران کند.

پارلمان جهانی از پیکار مصممانه ملت ویتنام برای بازسازی ملی و دفاع از میهن خود پشتیبانی کامل می‌کند و مراتب تحسین خود را نسبت به حسن نیت مداوم دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام و ابتکارات و پیشنهادهای سازنده‌اش به منظور حل مناقشات سرحدی از راه مذاکرات صلح‌آمیز، استقرار مجدد مناسبات عادی میان ویتنام و چین ابراز می‌دارد.

پارلمان جهانی پیشنهاد جمهوری سوسیالیستی ویتنام را دربارهٔ بهبود روابط با دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا به صورتی که آنان بتوانند متفقا این بخش از جهان را به منطقه‌ای قرین صلح و ثبات، بیطرف و پررونق درآورند به گرمی تایید می‌کند.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح از نیروهای مبارز راه صلح و مردم همه کشورهای جهان دعوت می‌کند تا همبستگی کامل و یاری موثر مادی و معنوی خود را در حق ملت ویتنام گسترش دهند.

همبستگی با ویتنام اکنون بیش از هر زمانی ضروری است.

بگذار شعار مبارزه‌جویانهٔ «دستها از ویتنام کوتاه!» در سراسر جهان طنین‌افکن شود.

بقیه: انتخاب راه

اما شکست توطئهٔ خائنانهٔ صدام هنوز پیروزی نهایی ایران انقلابی نیست. دشمن اصلی آمریکاست که در رأس همهٔ نیروهای شیطانی امپریالیسم قرار دارد و همهٔ توطئه‌ها را، یکی پس از دیگری سازمان می‌دهد. آمریکا پس از صدام تیرهای دیگری در ترکش دارد. و نه تنها همان عوامل دست‌آموزش در منطقه، سادات و بگین و دیگران، بلکه احتمالا در میان عناصر نهفته و آشکار ضدانقلابی داخل ایران. از آن گذشته، حضور نظامی بی‌سابقه و بسیار گستردهٔ آمریکا در آبها و پایگاه‌های نزدیک به ایران را نیز باید در نظر داشت. این انبوه کشتی‌های جنگی و هواپیماها و نفرات و ساز و برگ، اگر هم به سبب خطرهای جدی و مکرر اتحاد شوروی نتوانند مستقیما وارد معرکه شوند، به هر حال نیروی فشار بسیار بزرگی به شمار می‌روند و برای ماجراجویی‌های ارتجاع منطقه بر ضد ایران انقلابی تکیه‌گاه موثری می‌توانند باشند. پس اگر پیروزی می‌خواهیم، باید همهٔ عوامل و اسباب پیروزی در یک نبرد طولانی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را فراهم آوریم. باید همهٔ نیروهای ملت را در همهٔ زمینه‌های نظامی، تولیدی، سیاسی و فرهنگی بسیج کرد. باید این نیروها را که دیگر آمادگی انقلابی‌شان برای وحدت در عمل به ثبوت رسیده است در یک سیستم به هم پیوستهٔ منطقی گرد آورد و در راه هدف مشترک، یعنی استقلال کشور و آزادی و رهایی مردم از همهٔ انواع ستم، به کار گرفت. باید در عرصهٔ سیاست جهانی به اصول واقع‌بینانهٔ اتحادها و همبستگی‌ها و همکاری‌های ضروری – در چارچوب منافع کشور و انقلاب – دست یافت و از این سردرگمی که تاکنون ویژگی عمدهٔ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است بیرون آمد.

در نبرد برای استقلال کشور و گسترش و ژرفایی انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی ایران، ما، گذشته از ایمان و شور جانبازی و شوق کار، به سلاح‌های جنگی، به کارخانه‌ها، به تاسیسات زیربنایی حمل و نقل، به انواع ماشین‌ها، به تعمیم کشاورزی مدرن و همچنین دست کم تا مدتی به انواع مواد مصرفی نیاز داریم. اگر نخواهیم بار دیگر در حلقهٔ وابستگی به جهان سرمایهٔ انحصاری و در چنگ امپریالیسم غارتگر جنگ‌افروز بیفتیم، باید این همه را از کشورهای دیگری بگیریم که داعیهٔ تسلط بر دیگران – و بر ما – ندارند و نمی‌توانند داشته باشند. چنین کشورهایی از یک سو آنانی هستند که مثل خود ما سودای استقلال و آزادی دارند، مانند هند و کشورهای غیرمتعهد، و از سوی دیگر، به میزانی بسیار وسیع‌تر و موثرتر، کشورهای اردوگاه سوسیالیستی. ما هرچه به گرد خود نگاه کنیم، غیر از این نیرویی در جهان نمی‌بینیم که در کارنبرد با امپریالیسم جهانی یاری‌مان کند.

مسئله‌ای که امروز در برابر ملت ایران، مجلس شورای اسلامی و دولت برخاسته از انقلاب، مطرح است، نه چندان ادامهٔ جنگ با رژیم صدام تا نیل به پیروزی، بلکه انتخاب قطعی راه در سیاست خارجی می‌باشد. طرح مسئلهٔ گروگانها در مجلس و حل آن به صورتی که سرانجام با آمریکا به توافقی برسیم، می‌تواند این راه را مشخص کند. از این رو، مسئله درخور نهایت دقت است. چنان که شنیده می‌شود برخی، در این دو سه روزه که به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده است، اصرار می‌ورزند که با حل کار گروگانها به کاندیدایی که گویا کم‌خطرتر است کمک شود تا او هم با حق‌شناسی مطالبات ما را بپردازد و ما را در امور داخلی خود آسوده بگذارد. کمترین چیزی که در این باره می‌توان گفت آن است که این آقایان در دام پندارهای واهی افتاده‌اند. سیاست تجاوزکارانه و غارتگرانهٔ آمریکا که با تمام سنگینی ناوگان جنگی خود ما و همهٔ جنبش‌های رهایی‌بخش منطقه را زیر فشار گذاشته است، با آمدن و رفتن فلان رئیس جمهوری عوض نمی‌شود. برای انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی ایران با اردوگاه جنگ و غارت به رهبری آمریکا هیچ زمینهٔ توافقی وجود ندارد. هر سازشی که با جهانخواران سرمایهٔ انحصاری صورت بگیرد، ناگزیر به قلب ماهیت انقلاب بزرگ ایران منجر می‌شود و ملت به هیچ عنوان بدان تن نخواهد داد ■

پیام به نویسندگان، شاعران و هنرمندان عراق

به شما، ای کسانی که باید پیام‌آور شادی و زیبایی زندگی باشید!

به شما، ای کسانی که نبوغ هنری‌تان باید به سوی آزادی و برابری و برادری راهگشا باشد!

به شما، ای کسانی که قلب امیدوار بشر در واژه‌تان باید بتپد!

به شما، ای کسانی که آرزوی بهروزی فرزندان آدم باید از نوک خامه‌هاتان بتراود!

این پیامی است نه از بهر شماتت، که از سودای حیرت، نه از سر عجز، که به پاس شرف مردی، نه به انگیزهٔ دشمنی، که به جستجوی زبانی مشترک و گویا به حق.

ما خود را و شما را برادر می‌دانیم، خود را و شما را رهروان یک راه، کارورزان یک کارگاه، رزمندگان یک سنگر می‌شماریم. از همین رو در حیرتیم که شما را چه می‌شود؟ کجایید؟ آیا باورکردنی است که ندانید در خرمشهر و آبادان، در دزفول و اهواز، در قصر شیرین و کرمانشاه گروه گروه کودکان در دبستانها، بیماران در بیمارستانها و نیمه‌شبان مردم خفته در خانه‌ها با شلیک توپها و موشکهای ارتش بعث کشته می‌شوند؟ چه می‌گویید؟ این چه جنایتی است که پیش چشمان‌تان مرتکب می‌شوند و شما دم برنمی‌آورید؟ زندگی در دو سوی شط که رگ زندگی ما و شماست به هزار گلوی بریده فریاد برمی‌دارد: چرا این سیل آتش و پولاد و خون؟ چرا این شتاب به سوی مرگ و ویرانی؟ چرا این انبوه کشتگان و سوختگان و زخمیان و آوارگان؟ این ترکش بمب‌ها و موشکها و خمپاره‌ها برای چه شهرها را با مردمش یکباره شخم می‌زند و زیر و رو می‌کند؟ این کارگاه‌ها و کارخانه‌ها برای چه بر سر کارگرانش ویران می‌گردد؟ این خانه‌های فروریخته، این کشت‌های سوخته، این نخل‌های شکسته و سرنگون افتاده، این رگهای گسستهٔ لوله‌های نفت، این شعله و دود گسترده بر پهنهٔ آسمان، برای چه؟ این چه جنایت سهمگینی است؟ و دست جنایتکار برای چه قطع نمی‌شود؟

شما، ای نویسندگان و شاعران و هنرمندان عراق،

شما، ای کسانی که در عرصهٔ اندیشه و هنر انتظار می‌رود، پاسداران خرد و سلحشوران عدل و انصاف باشید، ما شما را به داوری خرد و انصاف می‌خوانیم. واقعیت خونبار گویاست و چشمان‌تان بینا. بنگرید که از شوم جاه‌طلبی فردی و از لعنت تعصب قومی بعث بر دو ملت عراق و ایران – و در پایان، اگر به چاره برنخیزیم، بر همهٔ ملت‌های ستمدیدهٔ منطقه – چه می‌رود. پردهٔ اوهام عظمت‌طلبی محال را بدرید و این جنگ، این خیانت بزرگ نابخشودنی را چنان که هست ببینید و بازنمایید: فاجعه‌ای ناروا، دوست‌شکن و دشمن‌نواز، آنجا که برادر خون برادر را به عبث می‌ریزد و شغالان در کمین نشستهٔ امپریالیسم و صهیونیسم دست به هم می‌سایند و دم می‌جنبانند. ولی تا کی و چند؟ دیده‌اید و می‌بینید که در این جنگ تجاوزکارانه، در این بزرگترین غبن خرد و شرف و آزادگی، هرچه هست کشتار است و ویرانی است و هدر دادن نیروهای مغتنم. و اگر دست توانای توده‌های عراق برای متوقف ساختن این تبهکاری بلند نشود، آنچه نصیب مردم‌تان خواهد شد ناگزیر غارت‌زدگی بیشتر و وابستگی بیشتر خواهد بود، خودباختگی و واخوردگی. و این پذیرفتنی نیست. نگذارید فریب و دروغ خودستا راه را بر شما و بر ملت عزیز عراق بزنند. رهایی توده‌های عرب و ایرانی، آزادی فلسطین و همهٔ سرزمین‌های درمانده، جز به همبستگی و همکاری و همرزمی این توده‌ها میسر نیست.

شما، ای نویسندگان و شاعران و هنرمندان عراق، ای کسانی که زبان گویا، دست هنرور و وجدان اندیشمند ملت خود هستید، به خود آیید و آنجا که حق و انصاف سیلی می‌خورد سکوت روا ندارید. بگویید و باز بگویید که این جنگ، جنگ تجاوزکارانه تحمیلی است. بگویید و باز بگویید که جنگ دو برادر تنها موجب نیرومندی و شادکامی دشمن است. با هر بیان و هر افزار هنری که دارید، بر دوستی و تفاهم و همپشتی توده‌های بندگسل تاکید ورزید. ملت‌های مستضعف را، در هر کران که هستند، به اتحاد برای برکندن ریشهٔ ستم فرا خوانید. سلاح‌های ما نه به روی یکدیگر، که به روی دشمن مشترک: صهیونیسم غاصب سلطه‌جو و امپریالیسم غارتگر آتش‌افروز باید آتش کند. هرگز مباد که در شناخت هدف، در کاربرد سلاح یا در تعیین سمت آتش به اشتباه‌مان افکنند!

با سلام و درود:

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

تهران – ۱۳۵۹/۸/۶

بقیه: توطئه متوقف کردن...

چنانکه می‌دانیم در یک ماه اخیر مخصوصا پس از حملهٔ سبعانهٔ بعثی‌های صدامی به ایران، عوامل و ایادی بزرگ مالکان و فئودال‌ها با سوءاستفاده از موقعیت جنگ در همه جا به گردش درآمدند تا قانون مصوب شورای انقلاب را در امر واگذاری زمین بی‌اثر گذارند.

دشمنان رنگارنگ قانون انقلابی واگذاری زمین در توجیه مخالفت ارتجاعی و ضدانقلابی خود تا آنجا پیش رفتند که گویا قانون مذکور با "فقه اسلامی" مطابقت ندارد و با آن در تضاد است.

سینه‌چاکان و پادوهای فئودال‌ها و بزرگ مالکان که هیچ راهی برای حفظ موقعیت ولی‌نعمتان خود نیافتند، ناچار شدند برای عوامفریبی و ایجاد آشفته‌فکری از نام اسلام سوءاستفاده کنند تا شاید مانع از اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین شوند و بدین سان به انقلاب لطمه وارد کنند.

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب مستضعفان بر ضد مستکبران استثمارگر است. این انقلاب تنها با تامین واقعی حقوق زحمتکشان و کوتاه کردن دست کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان از حیات اقتصادی – اجتماعی وطن ما می‌تواند زنده بماند و توان مبارزه با امپریالیسم خونخوار و انحصارات غارتگر چندملیتی را داشته باشد.

کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی پایگاه عمدهٔ امپریالیسم است. بدون تهاجم جدی و قاطع به این پایگاه مهم ضدخلقی مبارزه با نفوذ امپریالیسم و حفظ دستاوردهای انقلاب ناممکن است.

هر لحظه ادامهٔ مناسبات نامیمون و استثمارگرانهٔ این طبقات انگل فروکاستن از عمر انقلاب است.

دست‌افشانی فئودال‌های سوسنگرد و دشت آزادگان از ورود ارتش متجاوز صدام طاغوت – که پس از واپس راندن نیروهای دشمن ۲۱ تن از آنان به سزای خیانت خود رسیدند – نمونه‌ای از تعقیب کور طبقاتی این زالوهای ضداجتماعی است که به خاطر حفظ منافع پلید خود حاضرند میلیون‌ها تن از "هموطنان" خود را به تیغ بیگانهٔ واپسگرا و امپریالیست بسپارند.

۲۱ تن فئودال معدوم نمونهٔ منحصر به فرد نیستند. نمونه‌های طبقاتی آنها در سراسر کشور رودرروی انقلاب ایستاده‌اند. یکی از تازه‌ترین جنایاتی که به دست این طبقه در دو ماه پیش صورت گرفت و بیش از پیش از ماهیت ضدخلقی آنان پرده برمی‌دارد، جنایت خوانین روستای "شعبه" در جنوب است.

خوانین این روستا سه تن از اعضای شورای ده را که مبادرت به مصادره تعدادی موتور آب به نفع دهقانان کرده بودند، به دست افراد مسلح خود به قتل رساندند.

دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و خرده مالکان ستون اصلی تداوم انقلاب در روستاها هستند.

جوانان برخاسته از روستا که عمدتا از فرزندان این زحمتکشان‌اند، همراه با فرزندان زحمتکشان شهرها صفوف پاسداران، بسیج خلقی، سربازان فداکار ما را در میدان‌های نبرد با امپریالیسم، بعثیون مزدور و ضدانقلاب داخلی پر می‌کنند.

روستائیان زحمتکش در سراسر کشور برای کار و پیکار به جهاد برخاسته‌اند.

پاسداری از انقلاب و تعمیق آن حکم می‌کند که علی‌رغم مشکلات موجود لحظه‌ای در اجرای دقیق و قانونمند برنامهٔ واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین درنگ نکرد. هر نوع تاخیر در این راه ضربه‌ای است به روحیهٔ انقلابی دهقانان زحمتکش، مأیوس گرداندن و سپس از هم پاشیدن صفوف آنها به نفع ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم.

تاکید انقلابی امام مبنی بر ادامهٔ کار واگذاری زمین بر مبنای قانون مصوب شورای انقلاب یکبار دیگر توطئهٔ دشمنان واگذاری زمین را که با رهایی دهقانان زحمتکش ما از قید ظلم و استثمار بزرگ مالکان و خوانین مخالف‌اند، نقش بر آب ساخت و به تحکیم روند انقلاب در روستا کمک نمود.